



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

یکشنبه ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۰

حمید انوری

## "افغانستان در مسیر تاریخ و طفیلی ها"

### قسمت سوم

انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس  
تا کس نکند رنجه به در کوفتنت مشت

در این قسمت یک نگاه گذرا می اندازیم به مرام نشراتی سایت "آریانا - افغانستان آنلاین" و سیاست یک بام و دو هوای آن. اینکه از نشر کدام نوشته ها جلوگیری می شود و کدام نوشته ها را علیرغم مخالف بودن با پالیسی های نشراتی شان، فرصت نشر میدهند و از آنها استقبال می کنند و...، خود داستان دیگر است.

این سایت در تالاق "دریچه" ای نظر خواهی خود، در خطوط متحرک، خطاب به نویسندگان و نظر دهندگان، چنین یادآوری می کند.

**"خوانندگان ارجمند: نوشته ها، یادداشت ها و سایر مواد نشراتی که مغایر اصول عمومی رسانه بی، اخلاق عامه، آداب و معاشرت های قلمی و رسانه بی، تعرض به عقاید، اشخاص، حریم شخصی و خلاف مرام نشراتی این وبسایت تشخیص گردند، مجال و فرصت نشر نخواهند یافت."**

و تحت این شعار و مرام نشراتی که خود لااقل در ظرف یکی دو سال گذشته، هرگز و هرگز از آن شعارگونه ای در یخ نوشتن و در آفتاب گذاشتن، نه تنها پیروی نکرده و آنرا محترم و قابل اجرا ندانسته که هیچ، بلکه از نگاه این کمترین، کاملاً خلاف آنرا به اثبات رسانیده است.

حال ببینیم که چگونه، خود، مرام نشراتی خود را نادیده گرفته و آنرا فدای سر فردی بنام "داود مومند"، گل سر سبد مدیر مسؤل سایت میکند.

از نگاه مسؤل سایت "آریانا - افغانستان آنلاین"، معنی، تفسیر و تحلیل این نکات نشانی شده که مرام نشراتی سایت را واضح می سازد، چه است: **"نوشته ها، یادداشت ها و سایر مواد نشراتی که مغایر اخلاق عامه، آداب و معاشرت های قلمی و رسانه یی، تعرض به عقاید، اشخاص، حریم شخصی و..."**

درنگی میکنیم بر چند چرند داود مومند، چه در صفحه اصلی مقالات سایت متذکره و چه در "دریچه" نظر خواهی آن، تا "سیه روی شود هرکه در او غش باشد".

از داود مومند ها نمی توان توقع بیش از آن داشت که فراتر از "تربیه فامیلی" خودها عمل کرده و نزاکت های اخلاقی و شرافت نویسندگی و خصوصیات قابل احترام و شناخته شده ای انسانی، افغانی و اسلامی را در نوشته های چنل خود مراعت کند.

او حتی سوگند خداوند به قلم را نیز پامال عقده های شخصی خود میکند که فرموده است **«وَ الْقَلَمِ وَ مَا یَسْطُرُونَ»**؛ «سوگند به قلم و آنچه می نویسند».

اما از مسؤل سایت توقع نمی رفت که جهت کمیت، کیفیت را زیرپا کند، آنهم نه یکبار و دوبار، بلکه بار بار.

داود مومند می نویسد:

**"... یک عنصر بی مسلک و مخبر دربار ... شخصیت حقیقی و واقعی بسیار خورد و کوچک ..."**  
**"ابن الوقت و بی مسلک ... یک آدم منافق، بی موازنه، فاقد متانت، دورو، شیاد، سیاست باز و مدارای سیاسی بود..."**

حال قبل از اینکه به دیگر بی ادبی ها و نشخوار های این فرد مریض و بد اخلاق و فحش نویس پردازیم، از مسؤل سایت متذکره پرسیده می شود که آیا "عنصر بی مسلک"، "مخبر دربار"، "بسیار خورد و کوچک"، "ابن الوقت"، "بی مسلک"، "منافق"، "بی موازنه"، "فاقد متانت"، "دورو"، "شیاد"، "سیاست باز"، "مدارای سیاسی" و...، **"مغایر اخلاق عامه، آداب و معاشرت های قلمی و رسانه یی، تعرض به عقاید، اشخاص، حریم شخصی"**، خلاف و در تقابل با پالیسی نشراتی و مرام نشراتی سایت میدانید، یا خیر؟!

آیا این همه توهین و تحقیر و فحش و ناسزا، از نگاه جناب عالی، یک عمل پسندیده و قابل قبول و قابل نشر است؟!

اگر جواب مثبت است، پس چگونه این فحش ها و ناسزا ها و توهین و تحقیر های به مراتب سخیف تر از دشنام های کوچه و بازاری، در آن سایت "باعظمت" و "ملی"، مجال نشر یافته اند؟!

اگر جواب منفی است، پس بهتر است هموطنان دانسته شوند که کدام فحش ها و ناسزا ها و جفنگ ها و چرندیات و بد اخلاقی ها، مجاز اند در نوشته ها استفاده شوند و مجال نشر در سایت را می یابند و کدام ها مجاز نیستند.

آیا بهتر خواهد بود که مسؤل سایت یک لیست از آن فحش ها و ناسزا ها و توهین ها و تحقیر ها و ...، آماده نموده در اختیار هموطنان بگذارند تا بعداً مسؤل سایت مجبور نشود چنین یک یادداشتی را در دریچه خود بگذارد:

اسم: آریانا افغانستان آنلاین محل سکونت: پاریس تاریخ: 12.10.2020 :

قابل توجه!

این جا آریانا افغانستان آنلاین است نه کوچه و بازار. به کرسی نشاندن تراوشات فکری خودی نباید به معنی بیدار ساختن اژدها های خودی باشد. دو و دشنام نباید بدیل دلیل و برهان گردد. دیده میشود بحث و مناظره سلیم به سرعت به یک جنجال خبیث با تحقیر و توهین جا خالی میکند. از اشتراک کنندگانی که دست به چنین اعمال ناشایست میزنند احترامانه خواهشمندیم لطف نموده از استفاده کلمات کوچه و بازاری و نا مأنوس جداً خود داری نموده ممنون سازند. در غیر آن از نشر نظرشان معذرت میخواهیم... تأکید ما بر کیفیت است نه کمیت. اداره

این "یادداشت اداره از پاریس" به تاریخ 12 ماه اکتوبر نوشته شده است که درست روز بعد از آن، یعنی 13 ماه اکتوبر، این "نظر"، داود مومند را آنلاین می سازند، خوب دقت کنید:

اسم: محمد داؤد مومند محل سکونت: ایالات متحده تاریخ: 13.10.2020 :

هتاک نامبدل برقع پوش حرفوی از فرهنگ گپ میزند!!!!  
گپ پرانی های این آغا به فیرهای تفنگ های قدیمی دهن پر چقمقی میماند و در عین حال مانند قرچه یا «همنگ برد» از شاخی به شاخی میپرد...

بیچاره گی و زبونی منطق به سویه ای است که، هتاک کلاه مرا ... به فرهنگ هتاکان حرفوی بی فرهنگ است،

... هتاک بی معرفت و بی خبر از فرهنگ متعارف جامعه انسانی و بی اعتناء به ارشادات اخلاق اسلامی، ...  
افترا از نظر حقوقی یک عمل جرمی و از نگاه اخلاقی مظهر بی فرهنگی و دلیل مشکوک بودن نیت و ادعای مفتتری است.

...همچو افتراء جنبه مذموم و متعفن شخصیت کشی و پرویاگند را دارد، ...  
از نظر من این به اصطلاح بزرگان آگاه، مانند شخص مفتری بی معرفت ترین ...

اختصار نظر داود مومند را در بالا ملاحظه میکنیم(تأکیدات از این قلم است) که خطاب به یک هموطن، او را "هتاک"، "بی معرفت"، "برقع پوش"، "بیچاره"، "مفتری" و... خطاب کرده است و سایت آریانا افغانستان آنرا به نشر سپرده است. یک بام و دو هوا مگر شاخ دارد یا دم؟!

آنچه داود مومند به تاریخ 13 اکتوبر نوشته است، یک روز قبل از آن، اداره سایت از نشر همچو نوشته ها معذرت خواسته است، اما روز بعد فحش و ناسزا و توهین و تحقیر یار جانی و رفیق گرمابه و گلستان خود را آنلاین میکند!!!

از طرف دیگر داود مومند هنوز نمی داند که "همینگ بُرد"، همیشه در حال بال زدن در هوا است و به بسیار ندرت به شاخی می نشیند، و نیز او هنوز فرق بین "قرچه" و "همینگ بُرد" را نمی داند.

و اما جالب است که داود مومند در همین نظر خود می نویسد "... فرهنگ متعارف جامعه انسانی و بی اعتناء به ارشادات اخلاق اسلامی، ...

...افترا از نظر حقوقی یک عمل جرمی و از نگاه اخلاقی مظهر بی فرهنگی و دلیل مشکوک بودن نیت و ادعای مفتری است

... موقف مخبر دربار قرار داشت و مخفیانه و دور از انظار مردم به خانه شاه محمود خان صدراعظم میرفت . غبار به حیث یک آدم سیاسی منافق، و نمک حرام، ..."  
به این می گویند "کور خود، بینای مردم!"

داود مومند آنچه خود ندارد و از آن به فرسخ ها فاصله دارد، که همانا نظر به نوشته خودش "... فرهنگ متعارف جامعه انسانی و ارشادات اخلاق اسلامی، "است، از دیگران توقع دارد که چنان باشند.

از طرف دیگر او دانسته یا نادانسته اعتراف میکند که "ارگ شاهی" و بخصوص "شاه محمود خان"، جاسوس پرور بودند و هموطنان ما را جاسوس بار می آوردند و...

به نوشته های مسلسل داود مومند در سایت رو به سقوط "آریانا- افغانستان آنلاین" رجوع کنید تا خود با چشم و سر ببینید که حتی یکی از آنها، بدون فحش و ناسزا و توهین و تحقیر و... نبوده، بلکه از "فرهنگ متعارف جامعه انسانی"، نیز به فرسخ ها فاصله دارد، اما شاید و ممکن که

به "ارشادات اخلاق اسلامی"، از نگاه و طرز دید داود مومند، کاملاً برابر، منطبق و قابل فهم باشد. و اما و مگر! آنکه این چرند ها و جفنگیات را که کاملاً با فرهنگ متعارف جامعه انسانی و ارشادات اخلاق اسلامی در مغایرت قرار دارد و نیز خلاف پالیسی های نشراتی سایت است، مجال نشر میدهد، آیا در این خطا و خیانت و جرم اخلاقی، شریک بوده نمی تواند؟! داود مومند خطاب به روانشاد "میر غلام محمد غبار" و فرزند برومند شان در چتل نامه دیگری چنین می نویسد:

«آدم های بد سگال و مغرض و احمقی چون بچه غبار و غبار پرستان...»

نخست اینکه اگر یک شخص عاقل و بالغ و یک "عقل کل"، دست به قلم میبرد، نوشته یا کتابی را گویا نقد میکند یا مورد انتقاد و پرسش قرار می دهد، نباید موضوع را شخصی ساخته و عقده گشائی کند، دوم هم اینکه یک نویسنده و مؤرخ شناخته شده مملکت را که بخواهی نخواهی در بین بیشتر از 35 میلیون نفوس افغانستان، لاقلاً چندین میلیون پیرو و دوستدار و هوادار و طرفدار دارد، با الفاظ رکیک مورد خطاب قرار دادن، در حقیقت به میلیونها هموطن شریف ما توهین روا داشتن است.

اگر جناب "حشمت خلیل غبار"، فرزند برومند روانشاد "غبار" در نشر جلد دوم "افغانستان در مسیر تاریخ"، سهو، اشتباه و یا خطای مرتکب شده است، یک انسان عاقل و بالغ، با قوت استدلال قوی و اسناد معتبر و شواهد زنده و... می تواند با حفظ آداب نویسندگی و اخلاق انسانی و افغانی و طبق قواعد اسلامی، با بسیار متانت موضوع را مورد بحث قرار داده و بالای آن انگشت گذارد، اینکه فردی بنام داود مومند، در چتل نامه خود می نویسد: "... «آدم های بد سگال و مغرض و احمقی چون بچه غبار و غبار پرستان...» در حقیقت به خود فحش داده است و "ارزش" نوشته خود را ضرب صفر کرده است و برعلاوه "ارزش" یک سایت را که داد از "ملی" بودن میزند، تحت صفر قرار داده است. آنجا که دیکتاتوری مطلق جای دیموکراسی را بگیرد، حتی در کوچه و بازار و در میدان قمار هم مرسوم و قابل قبول نخواهد بود، اما در سایت "آریانا - افغانستان"، چرا!؟

گاهی این کمترین به شک اندر می شوم که آیا این "داود مومند"، قادر خواهد بود چهار سطر بنویسد که در آن شش فحش و دشنام و توهین و تحقیر نباشد!

در این سه قسمت بسیار تلاش شد تا با داود مومند از عمل بالمثل کار گرفته نشود، اما از یک جانب خیلی مشکل است با یک فرد کوچه و بازاری، محترمانه برخورد کرد و از ادب کار گرفت،

و از جانب دیگر؛ این قماش افراد فحاش، بی تربیت، بد اخلاق و مریض، اصلاح ناپذیر اند و به چرند گوئی و جفنگ پراگنی و لهو و لعب گوئی عادت دارند، پس بهتر همان خواهد بود تا در همان چوکات تنگ ایکه قرار دارند، در همان چوکات با آنها برخورد صورت گیرد، به مصداق اینکه :

" پیش کله خر، یاسین خواندن" خطا است. یاسین نمی خوانیم و جفنگ گوئی های داود مومند ها به نقد و انتقاد هم نمی ارزند، اما جواب فحش و دشنام و توهین و تحقیر به بزرگان را، با همان شیوه معمول داود مومند، خواهم داد، هرچند خوب می دانم که خر داود مومند یک لنگ دارد و "نرود میخ آهنین در سنگ!!"

مکن تا توانی دل خلق ریش  
وگر می گنی، می گنی بیخ خویش

ادامه... دارد